

فصلنامه علمی - پژوهشی «پژوهش‌های ادبی - قرآنی»

سال سوم/ شماره دوم/ تابستان ۱۳۹۴

رویکردی زبان شناختی پیرامون چند معنایی واژه «رحمه» در قرآن

سید ابوالفضل سجادی^۱ و سمیه ماستری فراهانی^۲

چکیده

زبان مجموعه‌ای از واژگان زنده و پویاست که همواره در حال نوزایی و گسترش معنایی هستند. در بررسی‌های معناشناختی مطالعات زبان شناسی، چند معنایی «Polysemy» یکی از مهم‌ترین موضوعات قابل طرح در همه سطوح زبانی بوده که از آن جمله، می‌توان به چند معنایی واژگانی یا همان چند معنایی جانیشینی اشاره نمود. در رویکردهای زبان شناختی نسبت به مفهوم واژگان، همواره با معانی ای روبرو هستیم که تحت تأثیر عناصر هم‌نشین خود در یک نظام ساختاری قرار گرفته‌اند و تحلیل معناشناختی آن‌ها با توجه به رابطه دو سویه میان عناصر این نظام و فرایند گفتمان متن صورت می‌پذیرد. توجه به بافت زبانی و کلیت متن پس از بررسی ریشه شناختی و کشف میدان معنایی یک واژه، سیر معنایی و در نتیجه چند معنایی آن را به خوبی نشان می‌دهد.

یکی از مهم‌ترین محورهای بررسی و پژوهش قرآنی، کشف و تبیین دقیق معانی واژگان در ساختار کلام الهی است تا بدین طریق، درک و دریافت گزاره‌های دینی برآمده از آن‌ها هموار گردد. آنچه در این جستار بدان پرداخته می‌شود بررسی زبان شناختی

چند معنایی واژه «رحمه» در قرآن کریم است که سیر معنایی این واژه را در ساختار آیات قرآن تبیین نموده و وجوه متعدد معنایی آن را در ارتباط با هسته مرکزی معنا و همچنین تأثیر واحدهای هم‌نشین با تکیه بر کتب تفسیری قرآن کریم مشخص می‌نماید. در این بررسی، واژه «رحمه» در قرآن کریم وجوه معنایی متعددی چون دین اسلام، بهشت، ایمان، باران، روزی و ... دارد که همه این معانی در ارتباط با هسته اصلی معنا و روابط مفهومی با دیگر واحدهای زبانی در ساختار کلام پردازش می‌شوند.

کلید واژگان: قرآن کریم، زبان شناسی، چند معنایی، واژه «رحمه»

**تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۲/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۲/۰۱

^۱ نویسنده مسئول: استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه اراک A-sajady@araku.ac.ir

^۲ کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه اراک Somayeh.masteri@yahoo.com

مقدمه

زبان، مجموعه‌ای به هم پیوسته و پویا است که کشف و تبیین لایه‌های مختلف آن، گویای یک نظام منسجم معنایی حاکم بر آن می‌باشد. این نظام که زنجیره‌ای از روابط مفهومی را در سطح واحدهای زبانی و ساختار کلامی تشکیل می‌دهد، از دیدگاه دانش معناشناسی «Semantics» که در قرن نوزدهم به صورت علمی مدون گرد آمد، مورد مطالعه قرار می‌گیرد. در بررسی‌های معناشناختی مطالعات زبان شناسی، چند معنایی «Polysemy» یکی از مهم‌ترین موضوعات قابل طرح در همه سطوح زبانی بوده که بیشتر پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه محدود به سطح واژگان یا همان چند معنایی جانشینی می‌باشد. بر این اساس، یک واحد زبانی (واژه) در شرایط مختلف، دارای معانی متعددی است که گاه در یک مقطع زمانی (دیدگاه هم‌زمانی) و گاه در طول زمان (دیدگاه درزمانی) چنین معانی متفاوتی می‌یابد. نگاهی به فرهنگ‌های لغت و بررسی مفهوم قاموسی واژگان، دلالت برخی از آن‌ها بر بیش از دو معنا را به خوبی نشان می‌دهد. زبان شناسان معاصر، دیدگاه‌های متفاوتی در مورد عوامل پیدایی چندمعنایی در واژگان و شکل‌های انتقال معنا داشته‌اند. «اولمان (Ullmann) در عوامل پیدایش چند معنایی، به انتقال در کاربرد، کاربرد ویژه، هنرآفرینی و تأثیر پذیری از زبان‌های بیگانه اشاره می‌کند. انتقال در کاربرد از دیدگاه اولمان، در اصل، نوعی گسترش معنایی است که معمولاً در صفات جلوه‌گر می‌شود. کاربرد ویژه نیز، کاربرد یک واژه در مشاغل و حرفه‌های متعدد است. منظور از چند معنایی از طریق هنر آفرینی، همانا کاربرد استعاری و مجازی واژه‌هاست» (صفوی، ۱۳۸۷: ۱۱۳).

در کنار پدیده چند معنایی، از موضوع دیگری با عنوان اشتراک لفظی یا هم‌آوایی - هم‌نویسی (Homonymy) باید یاد کرد که آوا و نوشتار یکسان واژه‌ها، سبب چند معنا شدن یک واژه می‌شود. از دیدگاه زبان شناختی باید میان این دو پدیده زبانی تفاوت و تمایز قایل شد و با توجه به روش‌های علمی، به درک صحیحی از حوزه مفهومی آن‌ها رسید. دو روش سنتی که بیشتر زبان شناسان برای تفکیک چند معنایی از اشتراک لفظی پیشنهاد می‌کنند، بررسی ریشه شناختی واژگان و نیز، در نظر گرفتن معنای مرکزی و یا هسته معنایی میان معانی یک واژه است، یعنی اگر مطالعه سیر تاریخی ساختار اشتقاقی و صرفی یک واژه، ریشه واحدی را برای آن تبیین کند، آن واژه، چند معنا و اگر ریشه‌های متفاوتی را مشخص نماید که به مرور زمان صورت یکسانی پیدا کرده‌اند، در شمار اشتراک لفظی قرار می‌گیرد. وجود ارتباط معنایی میان معانی یک واژه نیز دلالت بر چند معنایی آن و استقلال معنایی صورت‌های مشترک، به نوعی بر

هم‌آوایی - هم‌نویسی آن‌ها تأکید دارد. البته به نظر می‌رسد زبان شناسان، این دو معیار را به تنهایی راهگشای مناسبی جهت تفکیک این دو مقوله از یکدیگر نمی‌دانند؛ برای مثال، پالمر (Palmer) این دو روش را ناکارآمد بیان کرده و بر این باور است که «موقعیت کنونی یک زبان همواره بازتاب گذشته آن زبان نیست و سخن گویان یک زبان نیز شناختی نسبت به این تاریخ ندارند. تشخیص این معنای مرکزی نیز برای تمامی واژه‌های چند معنایی امکان پذیر نیست (پالمر، ۱۳۸۱: ۱۲۲).

با توجه به چنین استدلالی می‌توان گفت ساختار زبان به گونه‌ای نظام‌مند است که همه اجزای آن زنجیره‌وار به یکدیگر متصل بوده و نمی‌توان تحلیل معنایی واژه‌ها را به طور مستقل و خارج از حوزه ارتباطی آن‌ها با کلیت بافت در نظر گرفت. مطالعات زبان شناختی نشان می‌دهد مفهوم واژه‌ها در ارتباط با متن و مجاورت با لایه‌های متنی تغییر نموده و تابع فرایند گفتمان متن است، یعنی نشانه‌های زبانی به یکدیگر وابسته بوده و در تعامل با یکدیگر است که نظام معنایی را تشکیل می‌دهند. «صفوی» در مطالعات خود در زمینه چند معنایی، به ارائه باز تعریفی از این مسأله پرداخته و می‌گوید «به نظر می‌رسد که معنی شناسان، در طرح چند معنایی واژگانی، واژه را مستقل از یکدیگر و بیرون از روابط جانشینی و هم‌نشینی واحدهای زبان مورد توجه قرار داده‌اند و در چنین شرایطی احساس کرده‌اند که برخی از واژه‌ها تنها یک معنی و برخی دیگر چند معنی دارند؛ در حالیکه می‌توان با قاطعیت مدعی شد که در زبان خودکار، کمتر واژه‌ای را می‌توان یافت که در هم‌نشینی با واژه‌های دیگر، تغییری در معنی آن رخ نماید. در زبان ادبی نیز، یعنی به هنگامیکه چند معنایی بر حسب انتخاب صورت گرفته باشد، درک و تشخیص معنی منوط به درک واحدهای هم‌نشین است» (صفوی، ۱۳۸۷: ۱۱۶).

در این روند، تغییر و انتقال معنا بر حسب انتخاب از روی محور جانشینی و ترکیب بر روی محور هم‌نشینی در هر بافت زبانی صورت می‌پذیرد اما از هسته اصلی خود فاصله نگرفته و تنها با تغییر در کاربرد، دچار افزایش معنایی و یا همان چند معنایی می‌شود. چنین گستره معنایی واژگان را در ساختار زبانی قرآن کریم نیز شاهد هستیم. مطالعه کتب تفاسیر این کتاب آسمانی، ارتباط معنایی ألفاظ با آیات و آیات با بافت موضوعی سوره‌ها را به خوبی نشان می‌دهد. در هر آیه، هر لفظ در کنار ألفاظ دیگر و متناسب با مفاهیم موضوعی آن، معنا و تفسیر می‌شود و از این جاست که می‌توان به اهمیت تأثیر هم‌نشینی واحدهای زبانی و روابط مفهومی در ساختار آیات و سوره‌ها پی برد. کشف و تبیین دقیق معانی آیات و گزاره‌های قرآنی با توجه

به مباحث زبان شناختی به ویژه درک و دریافت کارکرد واژگان در سیاق کلام^۱، همواره مورد توجه زبان پژوهان بوده و آنان از ابعاد گوناگونی به این موضوع نگرسته‌اند. زرکشی در این باره می‌نویسد: «باید رأی مفسر در تفسیر، بر رعایت نظم و سیاق کلام استوار باشد، هر چند معنای برآمده از آن با وضع لغوی ناسازگار باشد» (الزرکشی، ۱۳۹۱ق، ج ۱: ۳۱۷).

یکی از مهم‌ترین محورهای بررسی در حوزه معنانشناسی قرآنی، بررسی چند معنایی واژگان قرآنی با توجه به ساختار آیات و سوره‌ها و هم‌نشینی با دیگر واژگان در بستر کلام می‌باشد. چنین واکاوی در واژگان و مفاهیم قرآنی، این امکان را به دست می‌دهد تا هر روز ابعاد دیگری از جنبه‌های ناشناخته علوم قرآنی کشف و آشکار شود و تأکیدی بر اعجاز این کتاب مقدس و راز تحدی آن باشد.

این جستار در پی آن است تا با استفاده از الگوی زبان شناختی اشاره شده در تحلیل معنا، با رویکردی نوین در زبان شناسی، به بررسی مسأله چند معنایی واژه «رحمة» در قرآن کریم مستند به برخی وجوه معنایی برآمده از کتب تفسیری پرداخته، با توجه به دیدگاه هم‌زمانی و قواعد هم‌نشینی واحدهای زبانی، سیر معنایی این واژه را در ساختار آیات قرآن تبیین نموده، وجوه متعدد معنایی آن را در ارتباط با هسته مرکزی معنا و همچنین واحدهای هم‌نشین با تکیه بر کتب تفسیری قرآن کریم مشخص نماید. ضرورتی دیگر که نگارنده را بر آن داشت به جست وجو در این باب بپردازد، دست یابی به معانی حقیقی واژگان قرآنی با توجه به تبیین لایه‌های معنایی نهفته در واژه «رحمة» در کاربردهای قرآنی آن است - که به نظر می‌رسد بر اساس معیار زبان شناسی و بررسی تأثیر واحدهای زبانی هم‌نشین تاکنون بدان پرداخته نشده است، هر چند به طور خلاصه و اجمالی تا بدین گونه درک عمیق‌تری نسبت به مفاهیم والای قرآنی به وجود آید، چرا که معنای لغوی به تنهایی نمی‌تواند معنای حقیقی یک واژه را در سیاق قرآنی بیان کند.

پیشینه بحث در ادب عربی

در زمینه دانش معنانشناسی و به ویژه چند معنایی، پژوهش‌های بی‌شماری از کتاب تا مقاله به صورت نظری و کاربردی نگاشته شده است که این خود، اهمیت این موضوع را دو چندان می‌کند. زبان عربی نیز که در زمینه واژگان هم معنا و چند معنا بسیار غنی و پر بار بوده، از این قاعده مستثنی نیست که ذکر نام هر اثر، خود به پژوهشی جامع نیاز دارد، اما سعی بر آن است

تا مروری مختصر بر پیشینه این دانش در زبان عربی شود. از همان دوره‌های آغازین، دانشمندان بسیاری هم چون «جرجانی، ابن جنی، مقاتل بن سلیمان، أبو هلال عسکری، ...» به بررسی‌های معناشناختی در حیطه زبان شناسی پرداخته‌اند، هرچند که با نام علمی امروزی مطرح نبوده است، اما در این زمینه تألیفات بسیاری از آنان به جای مانده است که بیشتر با نام «الوجوه و النظائر» به چشم می‌خورد؛ همچون «الوجوه و النظائر مقاتل بن سلیمان بلخی»، «الوجوه و النظائر علی بن ابی طلحة»، «الوجوه و النظائر أبو عبد الله عکرمه بن عبد الله المدنی» و ... از بررسی این آثار چنین به نظر می‌رسد که گذشتگان این دانش، میان دو پدیده اشتراک و چند معنایی تفاوت نگذاشته و هر دو را در قالب یک مفهوم بیان نموده‌اند.^۲

در دوره معاصر نیز دانشمندان بسیاری با تکیه بر گنجینه علمی خود و آشنایی با مباحث زبان شناسی نوین در غرب، به تألیف آثار بسیاری همت گماشته‌اند که در این میان می‌توان به نام «احمد مختار»، «فایز الدایه»، «نادیه رمضان نجار» و ... اشاره نمود. دو کتاب «دلالة الألفاظ» از ابراهیم انیس و «علم الدلالة» از احمد مختار، از مهم‌ترین منابع پژوهشی در میان آثار عربی هستند که زمینه پژوهش‌های بی‌شماری را در ارتباط با معناشناسی و زیر شاخه‌های آن به وجود آورده‌اند. احمد مختار در کتاب خود به تفصیل به بررسی دیدگاه‌های معناشناختی زبان شناسان غرب پرداخته و با تبیین تمایز میان این دو پدیده زبانی، چند معنایی را «تعدد معنایی ناشی از تحول در جنبه معنا» یا «یک کلمه با معانی متعدد» تعریف می‌کند (ر.ک: مختار عمر، ۱۳۸۶، ۱۳۸). «نادیه رمضان نجار» زبان شناس معاصر عرب نیز در پژوهش‌های خود به تأثیر هم‌نشینی واحدهای زبانی و ساختار متن در بازخورد معانی واژگان اشاره نموده و می‌گوید: «ساختار متن عبارت است از پیوند واژه مشترک با واژگان پس و پیش خود؛ زیرا واژگان جسم‌های بدون روح نیستند، بلکه زنده و متحرک بوده که پرتوهای معینی به واژگانی می‌دهند که اشتراک در آن قرار گرفته است و این پرتوها همانند کلیدی هستند که قفل واژگان را باز می‌کنند یا همچو چراغی هستند که معنای مشترک در نور آن نمایان می‌گردد» (رمضان النجار، ۱۳۹۱: ۷۷). با توجه به چنین پیشینه غنی زبان شناسی، پژوهش‌های بسیاری در این زمینه صورت گرفته است که مفاهیم و موضوعات قرآنی از مهم‌ترین آن‌ها می‌باشد. بررسی‌های معناشناختی در حوزه مفاهیم قرآنی با توجه به نیاز روز افزون دین پژوهان، گستره وسیعی را به خود اختصاص داده است که تنها برای نمونه به چند مورد از آن اشاره می‌کنیم:

۱- مقاله‌ای با عنوان «معنا شناسی واژهٔ إخبارات با توجه به آیات و روایات» از «علی راد» در مجله آموزه‌های قرآنی دانشگاه علوم اسلامی رضوی که این واژه را از منظر معناشناسی بررسی کرده و پس از چند مرحله تجزیه و تحلیل، جایگاه خاص و ویژه‌مخبتین را در قرآن کریم نشان داده است.

۲- مقاله‌ای با عنوان «واکاوی معنای دین در کاربردهای قرآنی از «عباسعلی اسماعیل زاده» در مجله آموزه‌های قرآنی دانشگاه علوم اسلامی رضوی که با بررسی دقیق معنای آیات و فهم سیاقی آن‌ها ثابت می‌کند واژه دین در قرآن به مفهوم آیین و شریعت و خصوصاً دین اسلام است.

۳- مقاله‌ای با عنوان «تبیین میدان معناشناسی واژهٔ توکل در نهج البلاغه» از «نصر الله شاملی» در فصلنامه علوم اسلامی که به توضیح تطور دلالتی و معنایی این واژه در نهج البلاغه و تحلیل معناشناختی آن می‌پردازد.

بررسی ریشه شناختی واژه «الرحمه»

واژه «الرحمة» از ریشهٔ (رحم یرحم رحمه و مرحم) بوده و دلالت بر دلسوزی و مهربانی دارد. راغب می‌گوید «این دلسوزی و شفقت، همراه با احسان و نیکی است، اما گاهی بر دلسوزی منهای نیکی و گاهی بر نیکی منهای دلسوزی نیز صدق می‌یابد» (الراغب، ۱۴۱۳ق: ۳۲۹). رحمت، نوعی ویژگی درونی بوده و از عاطفه و وجدان بشری سرچشمه می‌گیرد. «رحمت، حالتی باطنی و مبدأ احسان بوده و هنگامیکه خداوند با آن وصف شود، به معنی انعام‌بندگان می‌باشد؛ چرا که این ویژگی جزء کیفیات و اجناس بوده و اتصاف خداوند به این کیفیات محال است» (الحسینی الکفوی، ۱۴۱۹ق: ۴۷۱). در نتیجه می‌توان گفت مقصود از رحمت خداوند که در جای جای قرآن ذکر شده است، همان نعمت و فضل خداوندی است که در دنیا برای هرچیز به صورت‌های گوناگون جلوه می‌یابد و در آخرت مخصوص مؤمنین که همان پاداش اخروی آنان است، می‌باشد. خداوند در سورهٔ مبارکهٔ «اعراف» می‌فرماید: (وَ رَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَلْتُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَ يُوْتُونَ الزَّكَاةَ وَ الَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ) (۱۵۶). (و رحمت من در برگیرنده تمامی موجودات است و البته برای آنانی که پرهیزکارند و زکات می‌پردازند و به آیات ما ایمان آورده‌اند، رحمتم را می‌نویسم). طبرسی در این آیه، رحمت را همان نعمت تفسیر کرده و می‌نویسد: «رحمت من همه چیز را فراگرفته است پس هیچ مسلمان و کافر و مطیع و

نافرمانی نیست مگر این که از نعمت من بهره‌مند و برخوردار است (الطبرسی، ۱۳۷۷، ج ۲: ۴۰۴).

بنابر آنچه گذشت، می‌توان مرکز و هسته اصلی معنا در واژه «الرحمة» را احسان و نیکی برشمرد که برای انسان‌ها همراه با دلسوزی و برای خداوند در قالب اعطای فضل و نعمت است که زمخشری نیز نعمت را «هر منفعتی که با آن احسان و نیکی قصد شود»، تعریف می‌کند (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۳: ۴۹۹). بر این اساس، مقاتل بن سلیمان و برخی فرهنگ‌های لغت، وجوه معنایی دیگر را برای این واژه در سیاق قرآن کریم ذکر می‌کنند که در ادامه، به واکاوی این تعدد معنایی بر اساس معیار زبان شناختی هم‌نشینی واحدهای زبانی در ساختار آیات با توجه به هسته اصلی معنا با استفاده از دیدگاه‌های مفسران و زبان‌شناسان می‌پردازیم.

وجوه معنایی واژه «الرحمة» در سیاق قرآنی

در رویکردهای زبان شناختی نسبت به مفهوم واژگان، همواره با معانی روبرو هستیم که تحت تأثیر عناصر هم‌نشین خود در یک نظام ساختاری قرار گرفته‌اند و تحلیل معناشناختی آن‌ها با توجه به رابطه دو سویه میان عناصر این نظام صورت می‌پذیرد. توجه به بافت زبانی و کلیت متن پس از بررسی ریشه شناختی و کشف میدان معنایی یک واژه، سیر معنایی و در نتیجه چند معنایی آن را به خوبی نشان می‌دهد. واژه «الرحمة» نیز یکی از واژگان قرآنی است که بنا بر شرایط ذکر شده در یک نگرش هم‌زمانی، وجوه معنایی بسیاری چون دین اسلام، بهشت، باران، نبوت و ... را در سیاق قرآن دارا می‌باشد (البلخی، ۱۴۲۷ق: ۳۹).

دین اسلام

در وجه نخست، رحمت به معنی دین اسلام تفسیر شده است. خداوند در سوره مبارکه «فتح» داستان صلح حدیبیه و ماجراهایی که پیرامون آن رخ داده را بیان نموده و از منتهی که به واسطه پیروزی و غلبه بر کفار نصیب مسلمانان شده، سخن می‌گوید. آیه ۲۵ این سوره به این پیروزی بدون جنگ و خونریزی اشاره نموده و اسلام آوردن برخی از مشرکین را مد نظر قرار می‌دهد. (هُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ صَدَّقُواكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ الْهُدًى مَعْكُوفاً أَنْ يَبْلُغَ مَجَلَّةً وَ لَوْ لَا رِجَالٌ مُؤْمِنُونَ وَ نِسَاءٌ مُؤْمِنَاتٌ لَمْ تَعْلَمُوهُمْ أَنْ تَطَّوُّهُمْ فَتَصِيبَكُمْ مِنْهُمْ مَعْرَّةٌ بِغَيْرِ عِلْمٍ لِيَدْخُلَ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَاباً أَلِيماً) (۲۵). با توجه به بافت آیه مقصود از رحمت الهی، دین اسلام است که برخی از مشرکین پس از صلح به آن گرویدند. تفسیر کاشف در این باره می‌نویسد: «اینجا مقصود از رحمت، دین اسلام است و معنی آن این

است که خداوند دست‌ها را از کشتار در فتح مکه بدین دلیل باز داشت که می‌دانست برخی از مشرکین هدایت خواهند شد و اسلام خواهند آورد، همان طور که در عمل نیز این گونه شد» (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۷: ۹۹).

چنین مفهومی از این واژه در هم‌نشینی با دیگر واحدهای زبانی بافت آیه چون فعل «لیدخل» که در پی بیان علتی است که آیه بر آن دلالت دارد، استنباط می‌شود. این مفهوم با هسته اصلی معنا در واژه رحمت که همان انعام بندگان است، ارتباط دارد؛ چرا که دین اسلام یکی از نعمت‌های الهی است که بر بندگان خویش عطا نموده است؛ همان گونه که «زمخشری» در تفسیر آیه (وَ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ) (مائده/ ۷)، مراد از نعمت را دین اسلام بیان می‌کند (ر.ک: زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۶۱۳). پس واژه رحمت در نتیجه چنین مفهومی، تخصیص معنایی یافته که با سیاق آیه نیز هم‌خوانی دارد. نمود چنین مفهومی از این واژه را در سوره (شوری/ ۸) و (سوره فتح/ ۲۵) با توجه به بافت موضوعی آن‌ها نیز می‌توان مشاهده کرد.

بهشت

واژه رحمت در دومین وجه معنایی خود، بهشت تفسیر شده است. تمرکز موضوعی آیات ۱۷۴ و ۱۷۵ سوره «نساء» بر بیان پاره‌ای از وظایف فردی و اجتماعی مردم همراه با ترسیم پاداش آنان در عمل به این احکام می‌باشد. (فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ اٰغْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِّنْهُ وَ فَضْلٍ وَ يَهْدِيهِمْ اِلَيْهِ صِرَاطًا مُّسْتَقِيمًا) (نساء/ ۱۷۵). دانشمندان علم بلاغت در هر دو آیه-ی مذکور، رحمت را به عنوان صنعت بلاغی مجاز در نظر گرفته که ارتباط و پیوند آن با مفهوم بهشت، با علاقه‌ی حالیه می‌باشد؛ چرا که بهشت محلی است که رحمت در آن حلول می‌یابد، بدین ترتیب، این عنصر بیانی یکی از عوامل گسترش معنایی و در نتیجه چندمعنایی شدن واژه رحمت می‌باشد، اما در چنین شرایطی نیز، زبان‌شناسان، درک مفاهیم عددی و کارکرد آن را به درک واحدهای هم‌نشین در بستر کلام منوط دانسته و دریافت مدلول برآمده از آن‌ها را بسته به درک واحدهای زبانی بر روی محور هم‌نشینی، قرار می‌دهند؛ براین اساس، با توجه به ساختار آیه و نحوه ترکیب ألفاظ بر این محور ترکیبی، واژه رَحْمَةً در هم‌نشینی با واژه‌های «آمَنُوا»، «اٰغْتَصَمُوا» و «فَسَيُدْخِلُهُمْ»، مفهوم بهشت را به خود گرفته است، چرا که ایمان و تمسک به آیات الهی، پاداش اخروی را با خود به همراه داشته که داخل شدن در بهشت، لازمه آن می‌باشد. «آنان که به یگانگی خداوند اعتراف و پیامبرش را تصدیق کنند و به نوری که بر پیامبرش نازل کرده، تمسک جویند، خداوند آنان را در رحمت و نعمت خود- یعنی بهشت- و فزونی

پاداش که تفضل خداوند و زاید بر استحقاق ایشان است، داخل خواهد کرد» (الطبرسی، ۱۳۶۰، ج ۶: ۱۷۱).

در آیه (۱۰۷) سوره آل عمران نیز با بررسی روابط مفهومی میان واژگان در سطح جمله می-توان به چنین مفهومی از واژه رحمت در قرآن کریم رسید. (وَ أَمَّا الَّذِينَ ابْيَضَّتْ وُجُوهُهُمْ فَفِي رَحْمَتِ اللَّهِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ). با توجه به بافت زبانی سوره و روابط مفهومی و دستوری میان ألفاظ این آیه، عناصر هم‌نشین با واژه رحمت، سبب تداعی مفهوم بهشت از آن می‌شوند. واژگان «ابْيَضَّتْ» و «وُجُوهُهُمْ» با ترسیم سیمای مؤمنان، ذهن را به دریافت مفهومی از پاداش اخروی آنان سوق می‌دهند که با واژه «رحمت» استنباط و با واژه «خَالِدُونَ» تبیین می‌گردد. «مراد از رحمت خدا بهشت جاوید و نعیم ابدی است و اینکه تعبیر به رحمت شده است برای اشعار به آن است که مؤمن اگرچه تمام عمر خود را صرف در طاعت خداوند نماید داخل بهشت نمی‌شود مگر به رحمت و فضل الهی» (ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸ق، ج ۱: ۴۷۵). مفهوم بهشت از واژه رحمت با هسته اصلی معنا در این واژه یعنی احسان و انعام، ارتباط دارد؛ چرا که یکی از مصادیق نعمت‌های الهی که مختص بندگان نیکوکار در آخرت بوده، بهشت می‌باشد که در تفسیر آیه (يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ) (۱۷۱/ آل عمران) نعمت به مفهوم بهشت بیان شده است (رک: ثعالبی، ۱۴۱۸ق، ج ۲: ۱۳۷).

باران

واژه رحمت در وجهی دیگر به معنی باران می‌باشد. (وَ هُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ حَتَّىٰ إِذَا أَقْلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا سُفِّنَاهُ لِبَدِّ مَيْتٍ فَأَنْزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ كَذَٰلِكَ نُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ) (اعراف/ ۵۷). در این آیه، نحوه چینش واژگان به گونه‌ای است که با به وجود آوردن یک بافت زبانی منظم، مقصود الهی از چنین بیانی را به زیبایی تبیین می‌کنند. قرینه‌های لفظی هم‌نشین پیش و پس از واژه رحمت در سیاق آیه، دلالت‌گر مفهوم باران از آن می‌باشند. حضور قرینه‌هایی چون «يُرْسِلُ» و «الرِّيَّاحُ» پیش از این واژه و «سَحَابًا»، «سُفِّنَاهُ» و ... پس از آن، یعنی حرکت باده‌ها، بارور شدن ابرها، نزول آب بر زمینی مرده و رویدن میوه‌ها، زنجیره‌ای منظم از روابط مفهومی را میان این واژگان به وجود آورده که سبب ظهور معنی باران در واژه رحمت شده است و البته این خود مقدمه‌ای برای بیان کیفیت زنده شدن مردگان در معاد است. علامه طباطبائی در تفسیر این آیه می‌نویسد: «منظور از رحمت در اینجا باران است و "بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ" به معنای قبل از فرود آمدن باران است و در

این تعبیر استعاره تخیلیه به کار رفته، به این معنا که باران را به انسانی تشبیه کرده که خانواده و دوستانش انتظار آمدنش را دارند و جلوتر از او کسی است که آمدن او را بشارت می‌دهد. این آیه شریفه برای مسأله معاد و زنده کردن مردگان احتجاج به زنده کردن زمین می‌کند، چون به گفته دانشمندان وقتی منکرین معاد احیای زمین را در فصل بهار به چشم خود می‌بینند، ناگزیرند معاد را هم قبول کنند» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۸: ۲۰۰).

نمود چنین مفهومی از واژه رحمت را در آیه (فَأَنْظِرْ إِلَىٰ آثَارِ رَحْمَتِ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا) (شوری / ۲۸) نیز تفسیر کرده‌اند. اضافه شدن کلمه آثار به رحمت و حضور عبارت «يُحْيِي الْأَرْضَ» بعد از آن، خود قرینه‌ای برای دلالت واژه رحمت بر معنی باران می‌باشد. در تفسیر روح المعانی، رحمت خداوند در این آیه، به باران تعبیر شده است و مقصود از آثار آن، همان رویش سرسبز گیاهان، درختان و انواع میوه‌ها پس از مرگ زمین است که برهانی بر قدرت خداوند برای روز برانگیختن موجودات می‌باشد (ر.ک: آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۱: ۵۳).

بررسی بافت زبانی آیه نشان می‌دهد دایره مدلولی واژه رحمت نسبت به مفاهیم بیان شده از آن گسترش یافته و در اینجا به مفهوم باران تخصیص یافته است که با سیاق کلام همخوانی داشته و به هسته اصلی معنا که همان احسان و انعام الهی است، مرتبط می‌باشد؛ چرا که باران یکی از بزرگترین نعمت‌های الهی است که حیات تمام جنبندگان زمین به آن بسته است همچنان که تفسیر بحر العلوم، مقصود از نعمت را در آیه (يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ احفظوا نعمه الله هل من خالق غير الله يرزقكم من السماء والأرض) (فاطر / ۳) باران بیان می‌کند (سمرقندی، بی تا، ج ۳: ۱۰۰).

نبوت

واژه رحمت به مفهوم نبوت و پیامبری نیز آمده است. بافت موضوعی سوره زخرف بر ارسال پیامبران و انکار مشرکان و بهانه‌های پوچ آنان در برابر این فرستادگان الهی دلالت دارد. از سیاق واژگان در آیه (أَهُمْ يُقْسِمُونَ رَحْمَتِ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا) (زخرف / ۳۲) می‌توان استنباط نمود که واژه رحمت جانشین واژه نبوت گشته و در مجاورت با نشانه زبانی «يُقْسِمُونَ»، به معنی پیامبری ظهور یافته است. در تفسیر این آیه شریفه این گونه بیان شده است که «آیا آنها رحمت پروردگارت را تقسیم می‌کنند تا به هر کس بخواهند نبوت بخشند، و کتاب آسمانی بر او نازل کنند، و به هر کس مایل نباشند نکنند، آنها اشتباه می‌کنند، رحمت پروردگار تو را خود او تقسیم می‌کند، و او از همه کس بهتر می‌داند چه کسی شایسته

این مقام بزرگ است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۱: ۵۰). در آیات بسیاری از قرآن کریم، مفهوم نبوت با واژه رحمت ذکر شده است. توجه به آیه (أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَحْمَةِ رَبِّكَ الْعَزِيزِ الْوَهَّابِ) (ص/ ۹) نیز ذهن را به درک دلالتی ضمنی از واژه رحمت سوق می‌دهد. اضافه شدن این واژه به واژه «خزائن» با توجه به سیاق آیات پیشین آن که بر انداز مندران و انکار مشرکان نسبت به آن دلالت دارد، سبب اختصاص آن به مفهوم نبوت گشته است. «آیا گنجینه‌های رحمت پروردگار تو نزد آنهاست و کلیده‌های نبوت و رسالت به دست آنهاست که به هر کس خواستند بدهند و هر طور خواستند آن را بگردانند» (میرزا خسروانی، ۱۳۹۰ق، ج ۷: ۲۰۰).

در این آیات نیز شاهد گسترش معنای واژه رحمت و افزایش مصادیق آن در قرآن کریم بودیم. رحمت به مفهوم نبوت در بستر جمله است که بازتاب می‌یابد، اما رابطه خود با معنای مرکزی را حفظ نموده و با توجه به آن تفسیر می‌شود. یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی که بر بشر عطا گشته، نعمت نبوت است همچنان که در تفسیر طبری واژه نعمت در آیه (يَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللَّهِ ثُمَّ يُنْكِرُونَهَا وَ أَكْثَرُهُمُ الْكَافِرُونَ) نبوت پیامبر (ص) بیان شده است که کافران از روی عناد آن را انکار می‌کنند (ر.ک: طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۴: ۱۰۵).

قرآن

زنجیره معنایی واژه رحمت طولانی می‌شود و این بار در تعامل واحدهای زبانی با یکدیگر به مفهوم قرآن ظهور می‌یابد. بررسی عناصر زبانی آیه (أَوْ تَقُولُوا لَوْ أَنَّا أُنزِلَ عَلَيْنَا الْكِتَابُ لَكُنَّا أَهْدَىٰ مِنْهُمْ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ) (انعام/ ۱۵۷) نشان می‌دهد که هم‌نشینی نشانه‌هایی چون «أُنزِلَ»، «الْكِتَابُ»، «بَيِّنَةٌ»، «هُدًى» و «رَحْمَةٌ» یک نظام معنایی منسجمی را به وجود آورده‌اند که هر واحد از آن در ارتباط با واحد دیگر معنا می‌شود. نزول کتاب و هدایت و روشنگری آن در مورد قرآن صدق می‌یابد و در نتیجه واژه رحمت نیز تعبیر به قرآن مبین می‌شود. «قرآن که حجتی واضح و دلیلی آشکار است و وسیله هدایت انسان‌ها به نعمت جاودانی و پاداش بزرگ است و برای پیروان خود نعمت و رحمت است، بسوی شما آمد» (الطبرسی، ۱۳۶۰، ج ۹: ۲۳). در آیه (مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَىٰ وَ لَكِن تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَ تَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ) (یوسف/ ۱۱۱) نیز با تکیه بر تعامل نشانه‌های زبانی، واژه رحمت در ارتباط با قرآن کریم تفسیر می‌شود. انتقال معنایی که از واژه‌های «حَدِيثًا»، «يُفْتَرَىٰ»، «تَصْدِيقًا»، «تَفْصِيلًا» و «هُدًى» به واژه رحمت صورت می‌گیرد، سبب

دلالت آن بر مفهوم قرآن می‌شود. تفسیر کاشف در بیان این آیه، قرآن را مایه هدایت متمسکین به آن و مایه رحمت عمل کنندگان به آن می‌داند (ر.ک: مغنیه، ۴۲۴ق، ج ۴: ۳۶۸). در این حوزه مفهومی واژه رحمت نیز ارتباط با هسته اصلی معنا بسیار پررنگ‌تر ادامه می‌یابد و در بسیاری از آیات، قرآن کریم به عنوان نعمت و عطیه خداوند ذکر می‌شود. (أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَتِ اللَّهِ هُمْ يَكْفُرُونَ) (نحل / ۷۲). «گفته شده است که منظور از نعمت خدا پیامبر اکرم (ص) و قرآن و اسلام می‌باشد که کفار منکر این‌ها بودند» (الطبرسی، ۱۳۷۷، ج ۳: ۴۰۲).

رزق و روزی

وجه دیگری از دایره مدلولی واژه رحمت، رزق و روزی می‌باشد. تحلیل چنین معنایی از این واژه منوط به ساختار آیه و درک واحدهای هم‌نشین می‌شود. (قُلْ لَوْ أَنْتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذًا لَأَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ الْإِنْفَاقِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ قَتُورًا) (اسراء / ۱۰۰). قرینه‌های لفظی «تَمْلِكُونَ»، «خَزَائِنَ»، «لَأَمْسَكْتُمْ»، «الْإِنْفَاقِ» و «قَتُورًا» پیش و پس از واژه رحمت با آن هم‌نشین گشته تا طی یک روند تحلیلی بر رابطه جانشینی میان این واژه با واژه رزق دلالت نمایند. مالکیت خزینه‌ها ذهن را به بررسی مفهومی مرتبط با بخل و خودداری از بخشش چیزی مادی سوق می‌دهد که معنی روزی از آن استنباط می‌شود. در تفسیر آیه نیز به زیبایی به این مفهوم اشاره شده است. «معنای عبارت این است: اگر شما مالک گنجینه‌های ارزاق و نعمتهای خدا بر خلقش بودید، بخل می‌ورزیدید و به آنان نمی‌دادید "قتور" به معنای بخیل است» (همان: ۴۹۶). در آیه (وَإِذِ اغْتَرَلْتُمُوهُمْ وَ مَا يَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ فَأَوْوُوا إِلَى الْكَهْفِ يَنْشُرْ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَ يُهَيِّئْ لَكُمْ مِنْ أَمْرِكُمْ مِرْفَقًا) (کهف / ۱۶) نیز توجه به گفتمان متن و روابط دستوری و معنایی میان ألفاظ آیه به استنباط مفهوم روزی از واژه رحمت منجر می‌شود. آمدن عبارت «فَأَوْوُوا إِلَى الْكَهْفِ» به صورت امری و انشائی یعنی پناه بردن به غار تاریک بدون هیچ گونه وسیله حیات، به نوعی بر یقین اصحاب کهف نسبت به آمدن رحمت (رزق الهی) دلالت دارد که این زنجیره معنایی با دو عبارت «يُهَيِّئْ» و «مِرْفَقًا» کامل می‌شود (ر.ک: طنطاوی، بی‌تا، ج ۸: ۴۸۴).

با توجه به نمونه‌های ذکر شده، واژه رحمت با تغییر زمینه کاربرد دچار افزایش معنایی گشته و این بار بر معنی رزق اختصاص یافته است. این معنا با هسته اصلی مرتبط بوده و یکی از مصادیق نعمت الهی به شمار می‌رود همان گونه که در آیه (فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَ

اشْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ (نحل/ ۱۱۴)، از نعمت به روزی حلال تفسیر شده است (ر.ک: الزمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲: ۶۴۰).

یاری

یکی دیگر از معانی تفسیر شده برای واژه رحمت، یاری می‌باشد که شاهد آن در آیه (قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يَعْصِمُكُم مِّنَ اللَّهِ إِنْ أَرَادَ بِكُمْ سُوءًا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ رَحْمَةً وَ لَا يَجِدُونَ لَهُمْ مِّنَ اللَّهِ وَلِيًّا وَ لَا نَصِيرًا) (احزاب/ ۱۷) وجود دارد. آیات پیشین این آیه به بیان وقایع جنگ خندق، کارشکنی منافقان در فرار از میدان جنگ و نصرت و یاری مسلمانان از جانب خداوند می‌پردازد. با توجه به چنین مباحثی، عبارت‌های «يَعْصِمُكُمْ»، «أَرَادَ» و «سُوءًا» قبل از واژه رحمت، به عنوان مقدمه‌ای برای رسیدن به مفهوم این واژه و واحدهایی چون «يَجِدُونَ»، «وَلِيًّا»، و «نَصِيرًا» به عنوان مکمل معنایی، در یک محور ترکیبی با آن هم‌نشین می‌شوند تا مقصود از رحمت خداوند همان نصرت و یاری او باشد، چرا که پیروزی جبهه اندک مسلمانان در برابر تعداد انبوه مشرکان و یهودیان در این جنگ تنها با خواست و یاری خداوند محقق شد. تفسیر این آیه نیز گویای چنین مفهومی از واژه رحمت می‌باشد: «اگر او به شما قصد و اراده عذاب و عقوبت نماید یا اراده رحمت یعنی نصرت و عزت شما را نماید پس مسلماً هیچ کس قدرت و توان گرفتن جلوی خواست خدا را ندارد» (الطبرسی، ۱۳۶۰، ج ۲۰: ۶۴).

در این آیه حوزه مفهومی واژه رحمت گسترش می‌یابد و مشمول یکی دیگر از نعمت‌های الهی که به نصرت و یاری تخصیص یافته است، می‌شود. دلیل ارتباط این مفهوم با هسته اصلی واژه رحمت، آیه (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَ جُنُودًا لَّمْ تَرَوْهَا وَ كَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا) (احزاب/ ۹) است که خداوند از یاری مسلمانان و کوتاه شدن شر مشرکان تعبیر به نعمت می‌کند (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۴۲۷).

سلامتی

واژه رحمت در قرآن به معنی عافیت و سلامتی نیز آمده است. (قُلْ أَمْ أُفْرَأُيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ أَرَادَنِيَ اللَّهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كَاشِفَاتُ ضُرِّهِ أَوْ أَرَادَنِي بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكَاتُ رَحْمَتِهِ) (زمر/ ۳۸). سیاق کلمات و هم‌نشینی عناصر زبانی، زنجیره‌ای از روابط مفهومی را در بافت زبانی این آیه تشکیل داده است. واژه رحمت با اضافه شدن به واژه «مُمْسِكَات» جانشین واژه عافیت گشته و در هم‌نشینی با عبارت «كَاشِفَاتُ ضُرِّهِ» و در یک تقابل معنایی با آن، در مفهوم

سلامتی از هر گونه بلا و گرفتاری مانند بیماری ظاهر گشته است. بنا بر چنین رابطه هم‌نشینی و جانیشینی است که در تفسیر این آیه، واژه رحمت به معنی خیر و سلامت بیان شده است: «آیا آنچه را می‌خوانید به غیر از خداوند، اگر اراده کند خدا بر من از ضرری یعنی از مرض و فقر و بلا و شدت آیا آنان ضرر او را از من برطرف کنند یا اگر برای من اراده کند رحمتی را از خیر و سلامت آیا می‌توانند جلوگیری کنند از رحمتی که خداوند به من بکند» (الطبرسی، ۱۳۶۰، ج ۲۱: ۱۸۲).

تبیین چنین مفهومی از واژه رحمت با توجه به هسته اصلی معنا صورت می‌پذیرد، چرا که یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌های خداوند در قالب عافیت و سلامتی جلوه می‌یابد. در آیه (فَأَنْقَلِبُوا بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ لَّمْ يَمَسَّسَهُمْ سُوءٌ) از نعمت تفسیر به عافیت و سلامتی از جانب خداوند شده است (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۴: ۱۲۱).

ایمان

واژه رحمت در قرآن به معنی ایمان نیز تفسیر شده است که این گسترش معنایی تنها از طریق انتقال معنی عناصر هم‌نشین صورت می‌پذیرد (قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَىٰ بَيْتَةٍ مِنْ رَبِّي وَآتَانِي رَحْمَةً مِنْ عِنْدِهِ فَعُمِّيَتْ عَلَيْكُمْ أَنُنزِلُكُمْ مَوَاطِنَ هُنَّ وَأَنْتُمْ لَهَا كَارِهُونَ) (هود/ ۲۸). در بافت زبانی این آیه، حضور واژه «بَيْتَةٍ» پیش از واژه رحمت، به عنوان مقدمه‌ای بر رابطه مفهومی میان دو واژه می‌باشد. وجود یک برهان و حجت آشکار، قلب را به ایمان و باوری کامل می‌رساند که تنها از جانب خداوند امکان پذیر است. در برخی تفاسیر، رحمت در این آیه به معنی نبوت ذکر شده است در همین رابطه سید قطب چنین می‌نویسد که رحمت خداوند یعنی اعطاء صفت و ویژگی که استحقاق دریافت مقام نبوت را داشته باشد (ر.ک: شاذلی، ۱۴۱۲ق، ج ۴: ۱۸۷۳). به نظر می‌رسد ایمان مهم‌ترین این ویژگی باشد همان گونه که در تفسیر قرآنی چنین ذکر شده است: «بینة به معنی دلیل و برهانی است که انسان به وسیله آن موضع خود را در برابر هر امری آشکار می‌سازد و رحمت به معنی نعمت خداوندی که معرفت و ایمان به خداوند است، بیان شده است» (خطیب، بی‌تا، ج ۶: ۱۱۳۲).

ارتباط مفهوم ایمان با هسته اصلی معنا در واژه رحمت را با توجه به آیه (أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا وَ أَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ) (ابرهیم/ ۲۸) می‌توان استنباط نمود. در تفسیر کاشف مقصود از نعمت، «ایمان و هدایت بیان شده است» (مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۴: ۴۴۶). بنا بر

این، ایمان یکی از مصادیق نعمت‌های الهی است مختص مؤمنان که سبب گسترش معنایی واژه رحمت در قرآن شده است.

گشایش

وجه دیگری از شمول معنایی واژه رحمت در قرآن، گشایش می‌باشد. (یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنثَىٰ بِالْأُنثَىٰ فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أُخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَ رَحْمَةٌ فَمَنْ اغْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ) (بقره/ ۱۷۸). بافت موضوعی این آیه بر قصاص و احکام مربوط به آن در جامعه اسلامی دلالت دارد. این مفاهیم به گونه‌ای زنجیره وار از ورای ارتباط واحدهای زبانی در سیاق این آیه و تعامل آن‌ها با یکدیگر بیان می‌شود. یکی از مهم‌ترین احکام مربوط به قصاص که با آمدن دین اسلام به مسلمانان اختصاص یافت، بحث مربوط به دیه است که عبارت «فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ» به بازتاب این مقصود می‌پردازد. بدین جهت که نوعی آسان‌سازی و گشایش مشکلات ماقبل اسلام در این زمینه را به دنبال دارد، یک ارتباط مفهومی با عبارت «ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَ رَحْمَةٌ» برقرار می‌نماید. مقصود از تخفیف نوعی تسهیل در امور است که منجر به گشایش و باز شدن مشکلات می‌شود. از سیاق واژگان در این آیه چنین برمی‌آید که واژه «رحمة» در هم‌نشینی با واژه «تخفیف»، جانشین واژه «سعة» گشته و در یک انتقال معنایی، به مفهوم گشایش اختصاص یافته است. در تفسیر جلالین نیز رحمت به معنی گشایش تفسیر شده است «از این رو که سبب گشایش در امر قصاص شده و هیچ یک از طرفین یعنی قاتل و ولی مقتول، همچون اهل تورات، تنها محکوم به قصاص و اهل انجیل، تنها محکوم به عفو و دیه نبوده و در این زمینه مختار هستند» (محلّی، ۱۴۱۶ق، ج ۱: ۳۰).

گشایش در کارها یکی از نعمت‌های الهی است که در آیه (وَ إِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَ نَأَىٰ بِجَانِبِهِ وَ إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ كَانَ يَؤُوسًا) (اسراء/ ۸۳) به آن اشاره شده است. زمخشری در تفسیر إنعام در این آیه تعبیر به سلامتی و گشایش می‌کند (ر.ک: الزمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲: ۶۸۹). با توجه به این آیه، می‌توان گفت واژه رحمت به مفهوم گشایش، ارتباط خود را با معنای مرکزی حفظ نموده و با تغییر کاربرد دچار افزایش معنایی گشته است.

مغفرت

توجه به سیاق کلام در برخی از سوره‌ها نشان می‌دهد واژه رحمت به مفهوم مغفرت نیز به کار رفته است. (قُلْ لِمَنْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلْ لِلَّهِ كَتَبَ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ) (انعام/ ۱۲). ساختار این آیه به گونه‌ای است که از تقدیم و تأخیر واحدهای زبانی می‌توان به روابط معنایی میان آن‌ها پی برد. مفهوم واژه رحمت در ارتباط با لایه‌های پس از خود در بافت آیه تفسیر می‌شود. قرینه «لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» پس از این واژه در حکم تفسیر و تبیین معنایی آن می‌باشد. روز قیامت روز حسابرسی اعمال بوده و افاضه رحمت پیش از این روز به معنی فرصت توبه و بازگشت از گناه و رسیدن به آمرزش می‌باشد. تفسیر مجمع البیان چنین بیان می‌کند که: «منظور این است که او بر خود لازم کرده است که مردم را مهلت دهد تا در صدد تدارک گذشته بر آمده از گناهان خود توبه کنند. کلیبی گوید: منظور این است که خداوند بر خویشان لازم کرده است که امت محمد را مثل امت‌های دیگر در برابر گناهان دچار عذاب نکند و آنها را به کیفر تکذیب گرفتار نسازد، بلکه تا روز قیامت مهلت دهد.» «لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» آری رحمت او نسبت به شما مردم این است که تا روز قیامت به شما مهلت می‌دهد، آن گاه شما را جمع و به اعمال شما رسیدگی میکند. این جمله، «الرحمة» را تفسیر میکند» (الطبرسی، ۱۳۶۰، ج ۸: ۲۳). از این مباحث این نکته به دست می‌آید که واژه رحمت در یک محور ترکیبی در اثر هم‌آیی با عناصری چون «لِيَجْمَعَنَّكُمْ» و «يَوْمِ الْقِيَامَةِ» به معنی مغفرت اختصاص یافته است.

مدلول واژه رحمت در این آیه با هسته اصلی معنا که همان احسان و انعام الهی است، مرتبط بوده و مغفرت یکی از مصادیق لطف و نعمت خداوند می‌باشد. در آیه (لِيَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ، وَ يَتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ) (فتح/ ۲) اتمام نعمت خداوند بر پیامبر به همراه مغفرت ایشان کامل می‌شود (ر.ک: طنطاوی، بی تا، ج ۱۳: ۲۵۷).

دوستی و مودت

حوزه مفهومی واژه رحمت گسترش یافته و این بار به معنی مودت و دوستی اختصاص می‌یابد. توجه به بافت زبانی آیه (ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَارِهِم بِرُسُلِنَا وَ قَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَ آتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ وَ جَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَ رَحْمَةً) (حدید/ ۲۷) این مفهوم را به روشنی تبیین می‌کند. تبعیت حضرت عیسی (ع) موجب حضور برخی صفات خاص در تابعین آن حضرت می‌شود. دو صفت رأفت و رحمت در این آیه قرین یکدیگر شده و بار معنایی ویژه‌ای را

با توجه به فعل «جَعَلْنَا» با خود به همراه دارند که حضور حرف واو، اشتراک این دو واژه در فعل مذکور را به اثبات می‌رساند. «واژه رأفت به طوری که گفته‌اند با واژه رحمت مترادف است؛ ولی از بعضی دیگر نقل شده که میان آن دو فرق گذاشته و گفته‌اند: رأفت در مورد دفع شر و رحمت در مورد جلب خیر استعمال می‌شود و ظاهراً مراد از قرار دادن رأفت و رحمت در دل- های پیروان عیسی (ع) این باشد که خدا آنان را موفق به رأفت و رحمت در بین خود کرده، در نتیجه بر پایه کمک به یکدیگر و مسالمت زندگی می‌کردند» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۹: ۳۰۴). از این نکته تفسیری می‌توان استنباط نمود که پیروی از عیسی (ع) و مسالمت با یکدیگر، بر دوستی میان آنان دلالت داشته و واژه رحمت در هم‌نشینی و تعامل معنایی با واحدهایی چون «رَأْفَةً» و سپس اختصاص یافتن به فعل «اتَّبَعُوهُ» مفهوم دوستی به خود می‌گیرد.

چنین مفهومی از واژه رحمت با هسته اصلی معنا که احسان همراه با رقت قلب در مورد انسان‌ها است، مرتبط بوده؛ چرا که دوستی در نتیجه چنین فرایند اخلاقی بروز می‌یابد. البته این نکته را باید یادآور شد که رحمتی که در این آیه ذکر شده است، هرچند صفتی انسانی و منسوب به پیروان حضرت عیسی (ع) بوده اما این نیز چون دیگر نمونه‌های بیان شده یکی از نعمت‌های الهی است که به بشر عطا گشته و از عبارت «جَعَلْنَا» استنباط می‌شود؛ همان گونه که در این آیه آمده است: (وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ اِذْ كُنْتُمْ اَعْدَاءً فَاَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَاصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ اِخْوَانًا) (آل عمران / ۱۰۳). «نعمت حق را که بین دلهایتان پس از دشمنی الفت انداخت به خاطر داشته باشید» (الطبرسی، ۱۳۶۰، ج ۴: ۱۸۹).

نتیجه

همان گونه که ملاحظه شد، واژه «رَحْمَةٌ» از واژگان چند معنایی در قرآن کریم به شمار می‌آید که نمی‌توان به طور قطع یک معنای همیشگی و ثابت برای آن در نظر گرفت، و تحلیل معنایی آن باید با توجه به میدان معنایی و عناصر ساختاری مرتبط صورت پذیرد. بررسی‌های انجام شده در این پژوهش نشان می‌دهد:

زبان مجموعه‌ای از واژگان زنده و پویاست که به صورت زنجیره‌ای منظم به یکدیگر متصل بوده و کشف معنایی هر یک از داده‌های این زنجیره به ارتباط با عناصر هم‌نشین و فرایند گفتمان متن وابسته است. تعامل این نشانه‌های زبانی، ذهن را به درک دلالتی ضمنی از یک واژه سوق می‌دهد.

ساختار بی نظیر آیات قرآن کریم و نحوه چینش واژگان در این آیات، گستره معنایی آن‌ها را بسیار افزایش داده که تبیین دقیق مدلول واژگانی و گزاره‌های دینی برآمده از آن‌ها، در سیاق کلام و با توجه به بافت زبانی آیات و سوره‌ها مشخص می‌شود؛ بدین ترتیب، اگر واژه‌ای گسترش معنایی خود را طی فرآیند همنشینی، در طول زمان و با توجه به دیدگاه در زمانی حفظ نماید، در نهایت نیز، مفسران به هنگام تحلیل معنایی و تبیین دقیق مدلول آن، در بافت یک آیه، با توجه به دیدگاه هم‌زمانی و عناصر همنشین عمل نموده و مفهومی را که با سیاق کلام هم‌خوانی دارد، برمی‌گزینند.

واژه «رحمة» در بسیاری از آیات قرآن کریم به ایفای نقش پرداخته که برای اثبات چند معنایی آن ابتدا بررسی ریشه شناختی و کشف هسته معنایی آن امری ضروری می‌نماید. با این بررسی امکان درک لایه‌های معنایی نهفته در این واژه با توجه به بافت آیات و سوره‌ها هموار می‌شود. واژه «رَحْمَةٌ» در قرآن کریم با توجه به روابط جانشینی و هم‌نشینی در بستر کلام، به بازپرداخت معانی متعددی چون دین اسلام، بهشت، ایمان، باران، روزی و ... می‌پردازد که همه این معانی در ارتباط با هسته اصلی معنا و روابط مفهومی با دیگر واحدهای زبانی در ساختار کلام پردازش می‌شوند. در این محور ترکیبی، مصادیق هسته اصلی معنا با انتقال معانی عناصر همنشین گسترش یافته و هر بار به مفهومی خاص اختصاص می‌یابد. مطالعه کتب تفسیری گامی مؤثر در تحلیل معنایی این واژه با توجه به رویکرد نوین زبان شناسی و درک آموزه‌های دینی مرتبط با آن می‌باشد.

پی نوشت

۱- سیاق عبارت است از ساختار کلامی که لفظ مورد بحث در آن قرار دارد. سیاق دارای دو رکن است: الف) انسجام و ارتباط معنایی؛ ب) انسجام و ارتباط لفظی و ساختاری (ر.ک: ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۳: ۲۴۷-۲۷۲).

۲- در مورد آراء و دیدگاه گذشتگان در باب چند معنایی و اشتراک لفظی ر.ک: (الدایه، ۱۹۹۶م: ۸۲-۷۷).

منابع:

قرآن کریم

- (۱۳۶۰)، ترجمه تفسیر مجمع البیان، ترجمه: مترجمان، تهران: فراهانی، مجلدات ۴، ۶، ۸، ۹، ۲۰ و ۲۱.
- الإصفهانی، الراغب، (۱۴۱۳ق)، معجم مفردات ألفاظ القرآن، قم: ذوی القربی، الطبعة السادسة.
- ألوسی البغدادی، محمد، (۱۴۱۵ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالفکر، ج ۱۱.
- بلخی، مقاتل بن سلیمان، (۱۴۲۷ق)، الوجوه و النظائر فی القرآن العظیم، تحقیق: حاتم صالح الضامن، دبی: مرکز جمعة الماجد للثقافة و التراث.
- پالمر، فرانک، (۱۳۸۱)، نگاهي تازه به معنی شناسی، مترجم: کورش صفوی، تهران: مرکز، چاپ سوم.
- ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، (۱۴۱۸ق)، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۲.
- ثقفی تهرانی، محمد، (۱۳۹۸ق)، تفسیر روان جاوید، تهران: برهان، ج ۱.
- الحسینی الکفوی، آیوب بن موسی، (۱۴۱۹ق)، الکلیات معجم فی المصطلحات و الفروق اللغویة، بیروت: مؤسسه الرساله، الطبعة الثانية.
- خطیب، عبدالکریم، (بی تا)، التفسیر القرآنی للقرآن، (بی جا)، ج ۶.
- الدایة، فایز، (۱۹۹۶م) علم الدلالة العربی: النظریة و التطبيق دراسة تاریخیة تأصیلیة نقدیة، دمشق: دارالفکر.
- ربانی گلپایگانی، علی، (۱۳۸۳)، هرمنوتیک و منطق فهم دین، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه.
- رمضان النجار، نادیه، (۱۳۹۱)، زبان شناسی سوره «یوسف»، ترجمه: سید ابوالفضل سجادی و محمود شهبازی، قم: طلعه سبز.
- الزركشى، أبو عبدالله محمد بن بهادر، (۱۳۹۱ق)، البرهان فی علوم القرآن، تحقیق: محمد أبو الفضل ابراهیم، بیروت: دارالمعرفة، ج ۱.
- الزمخشري، محمود، (۱۴۰۷ق)، الكشف عن حقائق غوامض التنزيلو عيون الأقاويل فی وجوه التأویل، بیروت: دارالكتاب العربی، مجلدات ۱، ۲ و ۳.
- سمرقندی، نصر بن محمد بم احمد، (بی تا)، بحر العلوم، بی جا، ج ۳.

شاذلی، سید بن قطب بن ابراهیم. (۱۴۱۲ق.). **فی ظلال القرآن**، بیروت: دار الشروق. ج ۴، الطبعة الثانية عشرة.

صفوی، کورش، (۱۳۸۷)، **درآمدی بر معنا شناسی**، تهران: سوره مهر، چاپ سوم.

طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۷۴)، **ترجمة تفسیر المیزان**، ترجمه‌ی: محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، مجلدات ۸، ۱۶ و ۱۹.

طبرسی، فضل بن الحسن، (۱۳۷۷)، **ترجمة تفسیر جوامع الجامع**، ترجمه: مترجمان، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی، مجلدات ۲ و ۳.

طنطاوی، سید محمد، (بی تا)، **التفسیر الوسیط للقرآن الکریم**، (بی جا)، مجلدات ۸ و ۱۳.

محلّی، جلال الدین، سیوطی، جلال الدین. (۱۴۱۶ق.). **تفسیر الجلالین**. بیروت: مؤسسه النور. ج ۱.

مختار عمر، احمد، (۱۳۸۶)، **معنا شناسی**، ترجمه حسین سیدی، مشهد: دانشگاه فردوسی.

مغنیة، محمد جواد، (۱۴۲۴ق)، **تفسیر الکاشف**، تهران: دارالکتب العلمیة، مجلدات ۴ و ۷.

مکارم شرازی، ناصر، (۱۳۷۴)، **تفسیر نمونه**، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ج ۲۱.

میرزا خسروانی، علیرضا، (۱۳۹۰ق)، **تفسیر خسروی**، تهران: انتشارات اسلامی، ج ۷.

